

مشارکت سیاسی زنان ضامن پربافت جامعه دموکراتیک

خواستار حکومتی هستیم که بر پایه برابری انسانیت

زن مبارز ایرانی برده
نیلرود

آزادی زن
آزادی جامعه



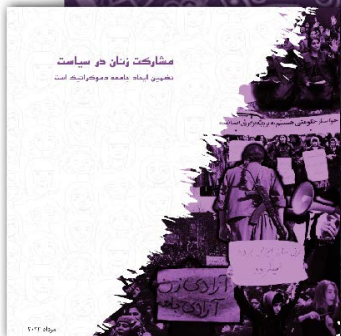
مشارکت سیاسی زنان

ضامن برساخت جامعه دموکراتیک

تهیه و گردآوری: کمیته تحقیقاتی کژار

www.kjar.online

kjardiplomasi@gmail.com



گزارشی پژوهشی و تحلیلی از
مشارکت زنان در عرصه سیاست
در چهار بخش کوردستان و
ایران

کمیته تحقیقاتی جامعه زنان آزاد شرق کوردستان - کژار

فهرست

۶.....	مقدمه.....
۷.....	سیاست یا پولیتیکا چیست.....
	گفت‌وگو با رفیق فاطمه آدار- عضو کمیته ارتباطات خارجی زنان
۱۰.....	کورد - رپپاک
	گفت‌وگو با رفیق زیلان وژین - ریاست مشترک حزب حیات آزاد
۱۸.....	کوردستان-پژاک.....
۲۴.....	گفت‌وگو با هاوژین شهید فخرالدین - تحلیلگر امور سیاسی.....
	گفت‌وگو با اوین سوید - نماینده خودمدیریتی شمال و شرق سوریه
۲۸.....	در جنوب کوردستان
۳۳.....	گفت‌وگو با شقایق نوروزی فعال حقوق زنان در ایران.....
۳۸.....	گفت‌وگو با رفیق پیمان ویان عضو شورای مدیریتی کژار.....

«آزادی تا زمانی که با سیاستی درست آمیخته نشود، توسعه نمی‌یابد» (رهبر آپو)

جامعه اخلاقی و سیاسی بر پایه فرهنگ خدامحوری مدارسالاری بنا شده و دو هزار سال مقاومت بی‌وقفه، ریشه در آن فرهنگ دارد. در روزگار ما انقلاب «ژن ژیان نازادی» که جرقه‌ی آن در شرق کوردستان به پیشگامی زنان کورد زده شد، ادامه همان فرهنگ دیرینه است و توانست دروازه‌ای برای مشارکت هرچه بیشتر زنان در سیاست باز کند. این انقلاب توانست درکی را ایجاد کند که همه جنبه‌های زندگی انسان‌ها سیاسی است. به عبارت دیگر توانست معنای واقعی سیاست را بازشناسی کند. ملت‌های ایران یک‌بار دیگر ثابت کردند که سیاست بدون جامعه وجود ندارد. اگر سیاست برای جامعه ساختن بهترین‌ها، درست‌ترین‌ها و زیباترین‌ها باشد، خود جامعه بهتر از همه می‌داند چگونه سیاست‌ورزی کند. در این باره آزادی بیان جامعه و افراد، در معنای واقعی خود نشان‌دهنده اراده آنها درباره زندگی خودشان است.

رهبر آپو می‌گوید: «هر جامعه‌ای (قبیله، عشیره، ملت، طبقه، حتی سازمان‌های دولت و قدرت) که سیاست‌های خود را توسعه ندهد، محکوم به شکست است. عدم رشد سیاسی به معنای ناآگاهی از «نهان یا وجدان، منافع حیاتی و وجود طبیعی» انسان است. برای هر جامعه‌ای شکستی بدتر و سخت‌تر از این نمی‌تواند وجود داشته باشد. تنها زمانی که این جوامع در پی منافع طبیعی و هویت و شناخت جمعی خود بایستند و به معنای بهتر جهاد سیاسی کنند، می‌توان گفت در پی آزادی هستند. درخواست آزادی بدون سیاست اشتباه بزرگی است.»

در انقلاب «ژن ژیان نازادی» جامعه ایران آنچه را لازم بود به عرصه‌ی عمل آورد و همه ملیت‌های ایران به پیشاهنگی زنان و جوانان یک‌بار دیگر اقدام به انجام رسالت تاریخی کردند. به همین دلیل با توجه به حجم زیاد تلاش‌های زنان برای مشارکت در سیاست و اداره جامعه، لازم می‌دانیم در این نوشتار، هرچند کوتاه، درباره سیاست واقعی جوامعی که با حضور زن شکل می‌گیرد صحبت کنیم و همچنین بتوانیم برخی از تجربه‌ها و دیدگاه‌های زنان مبارزی را که پیشگام مبارزه سیاسی در کوردستان و ایران هستند، جمع‌آوری کرده و برای همه مبارزان راه آزادی بازگو کنیم.

سیاست یا پولیتیکا چیست

تا زمانی که مفهوم سیاست از دولت و خصلت‌های سرکوب‌گر آن که سیاست را به عنوان ابزاری برای استثمار و سرکوب به کار می‌برد متمایز نشود، جامعه همیشه در سیاست به حاشیه رانده خواهد شد و به اُبژه‌های سیاسی تبدیل می‌شود. برای جلوگیری از این رویداد، جامعه و فرد باید دنیا و منظومه‌ی فکری خود را بسیار قوی آماده کنند. مفهوم سیاست جمع‌گرایانه و همه آن هستی‌هایی که برای آزادی لازم هستند، لازم است که در توسعه سیاست نقش داشته باشند، چرا که شوک و تراژدی اصلی در تاریخ زنان، مربوط به بی‌بهره‌ماندن آنها از قدرت سیاسی است که منافع، بهتر بودن و سود جنسیتی زنان را در نظر نگرفته است. واقعیت این است که ما زنان، به شکلی از پیش طراحی شده‌ی پنج هزار ساله از مکانیسم‌های گفت‌وگو و تصمیم‌گیری‌های لازم درباره‌ی هستی، نیازهای مادی و معنوی و آرزوهای مان محروم بوده‌ایم و حقیقت این است که قدرت فکری ما و فعالیت مشترکمان که همانند آغاز جامعه‌شدن، در پی موفقیت در دست‌یابی به بهترین کارها و در منافع زندگی جمعی بوده، همیشه با سرکوب دولت و قدرتمندان روبه‌رو بوده است. بدین ترتیب سیاست درست در برای زنان، پایان دادن به این حقیقت و تغییر و بازسازی خود در راستای منافع همه جامعه، از نو و بر پایه آزادی و برابری است. این، شرط لازم برای توسعه دادن به جامعه‌ای اخلاقی و سیاسی با حضور فعال زنان است.

گسترش سیاست جمع‌گرایانه و اجرا و به عمل آوردن آن پادزهر سیاست فردگرایانه و نابودی جامعه از سوی مدرنیته سرمایه‌داری می‌باشد. به عبارت دیگر زنان می‌توانند تمام تجربیات تلخ خود را به تغییری قدرتمند تبدیل کنند و جنبه‌ی مثبت آن این است که آنها پیشرفت سیاسی اجتماع را به‌عنوان یک فعالیت برای ترویج یک جامعه‌ی دموکراتیک و آزاد ترکیب کنند. یعنی اینکه ما زنان می‌توانیم به بن‌بست سیستم‌های دولت‌محور که سیاستی ضد جامعه را ترویج می‌کند یا جامعه را از سیاست دور نگه می‌دارد، پایان دهیم. هیچ‌کس به اندازه ما زنان آگاه از مشکلات اساسی جامعه‌مان و راه‌حل‌های آن نیست، چرا که زن، هستی متضاد با آن نهادهای دولتی است که می‌خواهد جای جامعه را بگیرد و خود را مستقر کند.

«همان‌طور که تاریخ و جامعه شاهدند، بیشتر از هر زمانی معیارهای اخلاقی‌مان همواره به ما فرمان سیاستی آگاهانه و تغییر با تدبیر و بصیرت استراتژی‌های پیش‌بینی شده را می‌دهد.» دفاع از یک ملت- ع. اوجالان

«اگر خواستار آزادی هستیم، قبل از هر چیزی لازم است دوباره وجدان مشترک جامعه یعنی اخلاق و عقل مشترک (سیاست) را از همه جهات مورد توجه قرار دهیم و مؤثرتر گردانیم که بیش از آن راه دیگری نداریم». **جامعه‌شناسی آزادی - ع. اوجالان**

معنای لغوی: سیاست که یادآور اصطلاحات مدیریت و قدرت است، کلمه‌ای یونانی است و به معنای «مدیریت شهر» است. سیاست، از کلمه‌ی (پولیس) مشتق شده است. در یونان باستان، به حکومت شهر یا شهر- دولت، پولیس می‌گفتند. شکل عربی آن یعنی سیاست، از لحاظ لغوی از «سئیس» به معنای نگهداری و پرورش و رام کننده اسب است. از دیدگاه طبقه حاکم، نشانه‌ی تربیت کردن است. منظور هدایت جامعه به سمت دلخواه و به معنایی وادار کردن جامعه به اطاعت است. اما باید وقتی که به‌عنوان یک پدیده اجتماعی مطرح می‌شود، به مثابه ایجاد و گسترش آزادانه‌ی جامعه و شکوفایی شخصیت آن تعریف شود، سیاست را نباید با خودمدیریتی و مدیریت مقایسه کرد.

«سیاست‌ورزی به‌مثابه میدان آزادی اجتماعی، میدان آفرینش اراده و توسعه آن، بیشتر به حقیقت آن نزدیک است. حتی لازم است سیاست را با آزادی مقایسه کرد. در اینجاست که جامعه پا به میدان هویت خود می‌گذارد و توسعه می‌دهد و از آن دفاع می‌کند». **مسئله کورد و رهیافت ملت دموکراتیک - ع. اوجالان**

اگر نقش اخلاق انجام دادن کارهای زندگی به بهترین نحو است، نقش سیاست نیز انتخاب بهترین کارهاست. سیاست هنری بسیار دشوار است و سیاست (پولیتیک) راستین در ماهیت آن نهفته است. جز آزادی، برابری و دموکراسی، هیچ اصطلاح دیگری نمی‌تواند منافع حیاتی جامعه را روشن سازد. در چنین شرایطی، در اصل سیاست به معنای فعالیت‌های آزادی، برابری و دموکراسی است که در راستای حفظ ماهیت یا وجود اخلاقی و سیاسی جامعه در هر شرایطی انجام می‌شود. رهبر آپو می‌گوید: «در ذات سیاست، آزادی وجود دارد، جوامع و ملیت‌هایی که سیاسی می‌شوند به آزادی می‌رسند».

در حالی که سیاست تبدیل به وضعیت نیروی خودکامگی شود، آنگاه هویت سیاست دموکراتیک را به دست می‌آورد، اما اگر تبدیل به استبداد قدرت شود آنگاه معنای تهی شدن سیاست از محتوا و حتی به مثابه انکار ذات خود مطرح می‌شود. میدان قدرت، آن عرصه‌ای است که سیاست در آن انکار می‌شود. به همین دلیل اداره دولت، برخلاف شعارهای لیبرالیسم، سیاست و مدیریت سیاسی نیست، بلکه انکار سیاست است و معنای جایگزینی آن

از سوی مدیریت سلسله مراتبی قدرت است. صحیح نیست که اداره دولت را به عنوان سیاست تعریف کرد، بلکه نوعی حکومت قانونی است که فرم گرفته است. خود قدرت نیز در هر عرصه‌ای انکار سیاست است. زن-مادر نیروی اصلی اجتماعی شدن و خالق هنر سیاست است. او بود که هزاران سال بهترین کار را برای جامعه انتخاب کرد و انجام داده است. در روزگار ما، بیزاری زنان و جوانان از سیاست در سراسر جهان، حتی نگرستن با تفر به سیاست، با دور شدن سیاست از معنا و کارکرد اصلی خود مرتبط است. هنگامی که زنان و جوانان که نیروی آفریننده و آزادی‌خواه جامعه‌اند، میان خود و سیاست فاصله می‌اندازند، آنگاه آن تصمیم‌گیری‌ها و مکانیزم‌هایی که به پیشبرد زندگی جامعه جهت می‌دهند، به‌طور مداوم در انحصار حاکمان شهرستان دولت و قدرتمندان باقی می‌ماند.

از دیدگاه زنان، سیاست-پولیتیک موضوعی اصلی است، به‌مثابه یک پدیده اجتماعی و درکی برای انجام کار اجتماعی است و ارتباط مستقیمی دارد با سازماندهی آن کارهایی که مربوط به جامعه‌اند و همچنین به پیشرفت جامعه مربوط می‌شود. با توجه به شواهد تاریخی و حقایق ثبت شده در این زمینه، ذهنیت مرد قدرت‌طلب که به پنج هزار سال پیش بازمی‌گردد، به این شکل بود که؛ زنان که از ابتدا دست به ساختن جامعه و پیشبرد آن زده بودند، از سیاست بیرون و دور نگه داشته شدند. زنان درحالی‌که عصر بزرگترین رنج و کار را سپری می‌کنیم؛ از تصمیم‌گیری و اراده سیاسی دور نگه داشته شده و از مشارکت در کارهای اجتماعی محروم ماندند.

برداشتن نخستین گام‌های مردسالاری به سوی سیاست، زمانی بود که حمله بزرگ خود را بر پایه تصاحب دسترنج‌های زنان آغاز کردند. از آن پس به‌عنوان فرمانروایان، حاکمان و بهره‌کشان مستقل، دست به تصاحب دستاوردها و کارهای اجتماعی مربوط به زنان زدند. تاریخ مردسالاری، معنایی متفاوت به نقش اجتماعی و اقتصادی زن و مرد می‌بخشد که این خود بهانه‌ای برای تصاحب کار و دسترنج زنان شد. بارزترین آنها آن تعاریفیست که که زن را ناقص و ناتمام و همچنین درست شده از جزی از بدن یک مرد یعنی «دنده مرد» می‌دانند، دلیلی شد تا زن از کار و فعالیت اجتماعی دور نگه داشته شود. اندیشه و ذهنیت مرد فرمانروا، همان قدرت‌طلبی‌ای بود که به درون سیاست نفوذ کرده و تا به امروز ادامه دارد. یعنی آن مردی که تمامی فعالیت‌های اجتماعی زن تصاحب کرد، با تعیین نقش فرزندآوری و انجام امور منزل، زن را به پست‌ترین جایگاه در جامعه کشاند. یعنی زنی که در حوزه‌های بیولوژیکی، فیزیکی و فکری خلاق است، می‌آفریند، پرورش می‌دهد و زندگی را بازتولید می‌کند به برده‌ای تبدیل شده که از دسترنجش سود و منفعت کسب می‌شود و هیچ جایگاهی برایش وجود ندارد.



در مورد ارتباط زن و سیاست، ما گفت‌وگویی با رفیق فاطمه آدار- عضو سازمان ارتباطات خارجی زنان کورد (رپاک) در مورد تجربه‌ی 30 ساله مبارزه سیاسی زنان در باکوور(شمال) و روژآوای کوردستان و دستاوردهای چندین ساله زنان کورد انجام داده‌ایم، تا بتوانیم از تجربه‌های ایشان بهره ببریم و همچنین برای زنان آزادی خواه هم الهام‌بخش باشد.

ارتباط زن و سیاست

لازم است در ابتدا که زن وارد کار سیاسی می‌شود، خود را در حوزه‌های ایدئولوژیک، فلسفی، فکری، بررسی تاریخی و فرهنگی پرورش دهد، چرا که تا زمانی که عرصه‌ی سیاسی 5000 ساله‌ای که توسط مرد قدرت طلب ایجاد شده است تغییر نکند، ورود به سیاست چیزی جز تقلید از مرد و ادامه همان مسیر برای امور جامعه به همراه نخواهد داشت. به همین دلیل لازم است عرصه یا میدان سیاسی که توسط مرد ایجاد شده است، مورد بازخوانی و نقد جدی قرار گیرد و همچنین ایجاد عرصه‌ای سیاسی که خود جامعه تصمیم خود را بگیرد، می‌بایست هدف اصلی زنان باشد. ورود زن به این عرصه لازم است بر پایه تغییر و عبور از سیاست مردسالارانه‌ای باشد که موجب تهدید برای محیط زیست، جامعه، بشریت و همه موجودات شده است. بایستی زن در برابر کار و مبارزه اجتماعی‌ای که تصاحب و غارت شده است موضع بگیرد و آن را تغییر دهد و عرصه‌ای متفاوت ایجاد کند.

در حقیقت زن، به عنوان یک مبارز و شخصیت اصلی مدرنیته دموکراتیک به‌طور مداوم در مبارزه بوده است، اما نتوانسته از حقیقت سیاستی که مرد بر پایه سیاست اشغال و نابود کردن ایجاد کرده است، عبور کند. زنان که در طول تاریخ بشریت تا امروز نیز درون مبارزات آزادی‌خواهانه بوده‌اند، در این دویست سال اخیر نیز مبارزه مستقیمی علیه عرصه‌ی سیاسی مردسالارانه داشته‌اند تا بتوانند در مدیریت جامعه خود دارای حق رای باشند و در این عرصه مبارزه و آزادی‌خواهی جدی‌ای را انجام داده‌اند. می‌توان از پیشگامان بزرگ زنان نام برد که برای اینکه بتوانند در عرصه‌ی سیاسی حضور مداوم داشته باشند، ایستادگی بی‌مانندی نشان داده‌اند. یکی از آنها خانم ماری آلپ گوگس است که قبل از رفتن به زیرگوتین می‌گوید: «اگر زنان می‌توانند در زیر گوتین اعدام شوند، پس باید نشست بر صندلی قدرت و سخن گفتن نیز داشته باشند».

امروزه این خواسته بر پایه نارضایتی مداوم، در سطح بالاتری ادامه دارد و مبارزه زنان پیشرفت بزرگی را به همراه داشته است. حقیقت سیاست آلت‌ناتو که شخص خود را در آن می‌یابد، اجتماعی بودن، کمونالیسم و مشارکت مستقیم در برابر سیاست مردسالار قدرت طلب است که خود را بر مبنای فردگرایی بنا نهاده و از آن به‌عنوان یک رویکرد عقلانی تعریف می‌کند. لازم است سیاست با آزادی رادیکال، برابری و دموکراسی باز تعریف شود؛ به‌عنوان عرصه‌ای که همزیستی مسالمت آمیز، زیبایی، خوبی و حقیقت را سرور بداند و همراه زنان از نو بازسازی شود. البته لازم است رابطه زن و سیاست بر پایه این پرسپکتیو از نو تعریف شود.

چالش‌هایی که زنان در عرصه‌ی سیاسی در روژآوا و باکوور کوردستان با آن روبه‌رو هستند چیست؟

پارادایم آزادی که رهبر عبدالله اوجالان مطرح کرده و رهبری می‌کند، بر پایه بازگرداندن عرصه سیاسی به نقش فعال و پویای زن است. پدیده سیاست، جامعه‌ساز است، گنشگر می‌شود و بر بنیان‌های پیشبرد برابری، در برابر هر نوع اشغال و بی‌اراده کردن مقاومت می‌کند. حضور زن در عرصه‌ی سیاسی به شکلی مستقیم بر زندگی زنان که نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند تأثیر می‌گذارد. مشارکت زن کورد، بر پایه موضوع، دیدگاه، درک و رفتار آزادی‌خواهانه و برابری ایجاد می‌کند. لازم است بر بنیان درکی باشد که برابری کسانی را که زندگی آزاد را انتخاب کرده‌اند، در خود جای می‌دهد و به این شکل سیاست‌ورزی ریشه می‌گیرد. زندگی مشترک آزاد، نمایندگی و مشارکتی که بر پایه این دیدگاه باشد، ایجاد نمایند.

تعریف ما به‌عنوان جنبش آزادی‌خواه زنان کورد در مورد از دست رفتن حقیقت زندگی مشترک آزاد، به این صورت است: «ذهنیت مردسالار، برای مشروعیت بخشیدن به قدرت‌طلبی خود، رابطه زندگی مشترک آزاد را به عنوان رابطه‌ای خصوصی تعریف می‌کند، به‌ویژه، مدرنیته سرمایه‌داری که فرد و جمع را هدف قرار می‌دهد تا این حقیقت را از هم مجزا سازد و در عین حال از طریق اسطوره، دین، فلسفه و علم درکی ایجاد کرده و به تعریف دلخواه شکل دهد. به‌ویژه آن مرحله‌ای که ما به‌عنوان شکستن اولین و دومین از آن یاد می‌کنیم، آن مرحله هستند که به زندگی مشترک توسعه داده اند. به‌عنوان مثال در اسطوره‌شناسی همراه با شکستن‌ها، در کنار خدایان، ابتدا پدر، برادر، پسر و در نهایت «همسر» جایگزین شدند و دوران بی‌تأثیری زن آغاز گردید. این تنها به‌عنوان رابطه‌ای نیست که در میان دو نفر تعریف شود، چرا که در ذهنیت جامعه برجسته بودن خدایان را نشان می‌دهد. در این عرصه، دوران خدایان، به «آغاز» ترد شدن و از بین رفتن تعادل میان زن - مرد و روابطی که مالکیت ایجاد نمیکنند و برابر و آزادند، نام برد.»

لازم است در عرصه‌ی سیاسی، برای ساختن جامعه‌ای بر پایه رسیدن به رهایی و برابری، همه روابط میان زن و مرد از نو سازماندهی شوند. هنگامی که زندگی اجتماعی بر بنیان آزادی‌زن - مرد گسترش یابد، آن زمان می‌توان زندگی مشترک را درک کرد. مبارزه‌ای بر بنیان برابری در همه



عرصه‌های زندگی اجتماعی، بنیان سیاست را تشکیل می‌دهد. مبارزه و پراکتیکی بر پایه سیاست و نمایندگی یکسان (منظور سیستم ریاست مشترک است) در باکوور و روزآوی کوردستان گسترش یافته است. هرچند نمی‌توان گفت که درک ایدئولوژیک و پرسپکتیوی که برای مبارزه و آزادی زن پیش‌بینی می‌شد، به‌طور کامل به عرصه عمل رفته است. اما همه کار و فعالیت‌های اجتماعی از طریق سیستم ریاست مشترک انجام می‌شود. پیشرفت مهمی حاصل شده که تمام جهان زنان را تکان داده. نگرش به زندگی اجتماعی بر پایه پارادایم آزادی با پیشاهنگی زنان، در عرصه‌ی سیاسی پیش می‌رود و پیشرفت مهمی به همراه داشته است. در وضعیت فعلی الگویی مهم به‌عنوان نمونه ایجاد شده و پیشرفت هم بدون شک وجود دارد، اما هنوز به آن سطحی که انتظار می‌رود نرسیده است. دلیل اصلی این کمبودها آن است که به شکل جدی و ریشه‌ای پرسپکتیوها مورد تحلیل و واکاوی قرار نگرفته اند و در عرصه خودآموزی و تغییر ذهنیت مردان نیروی لازم ایجاد نشده است، چرا که آن ذهنیت 5000 ساله‌ی مردسالاری که در ذهن زن و مردان جای گرفته همچنان وجود دارد. خود‌رهایی زن از آن وضعیت زندگی که ذهنیتِ مردسالاری ایجاد کرده است؛ یکی از موضوعاتی است که در پارادایم آزادی به شکل جدی و ریشه‌ای مورد کار قرار گرفته، اما بدون بازاندیشی و تحکیم و تغییر بنیادین نمی‌تواند تأثیرگذار باشد. در حال حاضر وضعیت مقاومت ذهنیتِ مردسالاری در برابر تغییر و تحول وجود دارد، اما در برابرش مبارزه مهمی نیز هست. همانطور که در عمل نیز در باکوور و روزئاوا کوردستان برای اینکه زنان در عرصه‌ی سیاسی خود را از اثر ذهنی مردسالار رها کنند و جامعه با اراده و تصمیم خود به شکلی مستقیم در کار و فعالیتها مشارکت ورزند، پیشرفت مهم و چشم‌گیری به دست آورده‌اند.

در میان جنبش آزادیخواهی کورد، ذهنیت جنسیت‌گرا تا چه حد توانسته مانع مبارزه‌ی زنان شود؟

آن پرسپکتیوی که در پاسخ به پرسش دوم اشاره شد، روند مبارزه جنبش آزادی کورد است که براساس اصول خود سر برآورده‌اند و مراحل تاریخی آن را به نمایش می‌گذارد. بین نقطه آغازین تا مرحله‌ای که امروزه زنان بدان رسیده‌اند مشقت، ایثار، از خودگذشتگی، تلاش و مبارزه‌ی بسیار بزرگ و طولانی وجود دارد. ما سخن از تاریخ مبارزه‌ای می‌گوییم که هزاران هم‌رزم و رفیق زن در این راه جان خود را فدا کرده‌اند، ایثار نموده‌اند و این رسالت همچنان ادامه دارد. زنان در مسیر مبارزه آزادی‌خواهانه دو نوع مسئولیت بر عهده گرفته‌اند، یعنی در ابتدا «عضویت و مشارکت» و سپس «پیشاهنگی». در دشوارترین عرصه‌های دفاع ذاتی و مبارزه آزادی‌خواهانه که کوردها به‌عنوان یک خلق انجام می‌دهند، به‌صورت مسلحانه مشارکت کرده‌اند و به پایه‌های اساسی مبارزه و مقاومت آن دوران مبدل شدند.

مشارکت زنان در نیروهای دفاعی و چریکی کوردستان، خود به تنهایی یک مبارزه بود. بر این اساس که جان خود را فدا کنند، در مبارزه مقاومت-دفاع ذاتی که سیاست‌ورزی در آن بسیار دشوار است، با عمل و تجربه به صورت پیروزمندانه مشارکت کرده‌اند. مردان نمی‌خواستند زنان در ارتش، سازماندهی نیروهای دفاعی و ساختارهایی که خود در آن مطلق بودند و تک‌رنگی خود را در آن ایجاد کرده بودند، جای داشته باشند. در مبارزه آزادی‌خواهی کورد نیز وضعیتی مشابه نشان داده شد. مردان مقاومت و مخالفت بزرگی تحت عنوان اینکه زن از لحاظ جسمی، بیولوژیکی و روحی ضعیف است، نشان دادند و مانع از عضویت زنان در نیروهای چریکی شدند. حتی برای مدتی کوتاه در ایالت «آمد» (دیاربکر)، بیولوژی زنان بهانه‌ای شد تا از مبارزه چریکی دور بمانند. همان وضعیت به شکل و در سطح متفاوت در زمان و مکان متفاوت تکرار شده است، اما در هیچ یک از این شرایط زنان تسلیمیت را قبول نکردند و با به دست آوردن پیروزی‌های چشم‌گیرشان توانستند به پیشاهنگ و فرماندهان بزرگی تبدیل شوند. با گذشت زمان، با اراده، مبارزه و مقاومتی که زنان نشان دادند آن مراحل را پشت سر گذاشتند. زنان با درک بیشتر معنای زندگی به این نتیجه رسیدند که: برای اینکه در مبارزه آزادی‌خواهی کوردستان و در همه فعالیت‌های اجتماعی جایگاهی داشته باشند، نیاز به مقاومت، موضع‌گیری و مبارزه بزرگی است. مشارکت زنان در چریک-ارتش و دفاع ذاتی که در تحت فرمانروایی مردان بود، خود به تنهایی یک وضعیت انقلابی است و نیازمند شجاعت زیادی است. زنان در همه این مراحل به شکل قدرتمندی پیروز شدند و در همه عرصه‌های مبارزه حتی سیاست نقشی پیشاهنگ به عهده گرفتند. مقاومت‌های پیشاهنگان زنان که بر پایه ماندگاری و مبارزه‌ی کوهستان که نزدیک به 50 سال است ادامه دارد، به پیشاهنگان و فرماندهانی تبدیل شدند که در روزنئاو(شمال و شرق سوریه) و شنکال در برابر گروه تکفیری داعش مبارزه کردند و به الگویی برای تمام جهان مبدل شدند؛ در ادامه این مبارزات بود. آن پیشرفت‌هایی که در نمایندگی برابر (ریاست‌مشترک) در سیاست و زندگی مشترک آزاد به دست آمده است، مدیون مقاومت و ایثار هزاران زن فداکار است. سطح این مقاومت‌ها ریشه در فرهنگ آن زنانی دارد که اولین گام‌ها را به سوی اجتماعی شدن برداشتند و آفریدند؛ سیاست را از ذهنیت مردسالار رهایی بخشیدند. هرچند هنوز راه درازی در پیش است، بنابراین مبارزه ادامه دارد. زنان در میان جنبش آزادی‌کورد از جایگاه خاصی برخوردار هستند، زنان در همه عرصه‌های زندگی اجتماعی مشارکت دارند. نکته مهم این است که مشارکتی پیشرفته و تغییرآفرین وجود دارد.

تا زمانی که این موضوع به خوبی آنالیز نشود، لازم است نتیجه‌ای مانند مردان تغییر کرده اند، تغییر می دهند و دست از ذهنیت و قدرت‌طلبی خودخواهانه مردانه برداشته‌اند، گرفته نشود. نباید این را فراموش کنیم که مرد برای

حفظ و تقویت قدرت خود، قبل از هر چیز تلاش می‌کند تا قدرت خود را بر علوم اجتماعی، یعنی آن عرصه‌هایی که بر علم و تکنیک مسلط‌اند، تا آخر به کار بندد. اما اگر جامعه به‌عنوان اراده عمل کند و نقش خود را ایفا نماید، می‌تواند همه‌ی عرصه‌های تحت حکومت مردان را بازستاند و همه ساختارها را بر پایه همکاری و برابری، از نو سازماندهی نماید. اگر مشارکت زن در سیاست بر پایه این عقلانیت و ذهنیت شکل بگیرد، همانطور که تا به حال انجام شده است و در آینده نیز می‌تواند با یک مبارزه سازمان‌یافته همه موانع را در نوردد. در همه بخش‌های کوردستان زنان مبارزه بزرگ و مهمی را پیش می‌برند. انقلاب ما اجتماعی است و با پیشاهنگی زنان مسیر موفقیت را طی می‌نماید و با خلق ارزش‌های کوچک و بزرگ، قوی‌تر می‌شود و گسترش می‌یابد، اما لازم است بدانیم که در نتیجه یک مبارزه بسیار دشوار به ثمر می‌رسد. مبارزه ما شخصیتی بسیار قوی ایجاد کرده است که در همه بحران‌ها برای تغییر رادیکال ذهنیت زن و مرد کلاسیک و سنتی مبارزه می‌نماید. تنها راهی که در برابر ذهنیت مردسالار که ضددموکراسی است و اجازه نمی‌دهد که با زندگی ترکیب شود وجود دارد، این است که بر پایه سازمان‌دهی، آزادی و خودویژگی زنان مبارزه کنیم. در برابر زن کلاسیک که بر پایه ذهنیت مرد شکل گرفته است، باید از نو بر مبنای ارزش‌های آزادی و دموکراسی بنیان‌گذاری شود. مشارکت زنان در عرصه‌ی سیاسی برای هدف آزادی و دموکراسی است و به فرهنگ‌ی تبدیل می‌شود.

آن تغییر و تحولاتی که زن با فکر و اراده خود در عرصه‌ی سیاسی ایجاد می‌کند، چه نتیجه‌ای خواهد داشت؟

باری دیگر اشاره می‌کنم که زن نقش اصلی و بنیادین تحول برای مدرنیته دموکراتیک را بر عهده دارد. این چه معنایی دارد؟ یعنی زن لازم است صاحب تاریخ مبارزه‌ای بی‌وقفه باشد. بنابراین لازم است هم به‌عنوان تاریخ و هم مبارزه‌ای بی‌امان دیده شود و در هر مرحله‌ای به صورت یکپارچه ارزیابی برای آن انجام دهد. اگر برای زنان یک برگ تاریخ مقاومت و مبارزه بی‌وقفه برای وجودشان باشد، برگ دیگرش بی‌اراده کردن، تحقیر، بردگی و به کار گرفته شدنشان است. ما می‌توانیم با درک همه جنبه‌های تاریخ، مسئولیت تاریخی خود را انجام دهیم. نکته مهم این است که سیاست اجتماعی شود و این وظیفه اصلی ماست. شیوه سیاستی که بر پایه طبقات ثروتمند، متوسط است و از آزادی دور است و نمایندگی زنان را نمی‌کند، باید با نیروی آفریننده جامعه تعویض شود یعنی هر جا که جامعه وجود دارد، جای سیاست است و باید به این شکل رفتار کرد. همه آن مکان‌هایی که ما کار می‌کنیم، سازمان می‌دهیم و مبارزه انجام می‌دهیم از خانه و خیابان تا همه جاهایی که زندگی در آن جریان دارد، همه آن‌ها جای سیاست است. زیرا

سیاستی که ما از آن انتقاد می‌کنیم، محصول سیاست مجزا گشته از جامعه است و قدرت‌طلبی واقعی است. ادامه این شیوه از سوی زنان به این معناست که در خود زنان نیز ذهنیت مردسالاری ریشه دوانده و ادامه دارد. ما زنان لازم است سیاست را از عرصه ذهنیت مذهبی، علم‌گرایانه، جنسیت‌گرا و ملی‌گرا به عرصه مردمی، جامعه، زنان و طبیعت سوق دهیم. لازم است سیاست دموکراتیک شود و به عرصه‌ای تبدیل شود که همه جامعه اعم از ملیت، زبان، باوری و به‌ویژه زنان با اراده خود در آن مشارکت کنند. مهم است که زنان درک کنند علم زن و جامعه مربوط به زنان است و باید شیوه فکری جنسیت‌گرایانه در سیاست را زیر سوال ببرند. بر پایه حقیقت وجود زن که مرتبط با تاریخ اوست و به عرصه رسیده است، از این پس نیز بر همین مبنا به سوی آزادی گام بردارد و در عرصه سیاست نیز گسترش یابد. تعریف خودویژه بودن برای زن که مرتبط با وجود اوست، جدایی از سیستم مردسالاری و درک علم خودش (ژنئولوژی) است. همگام با آن‌ها وظیفه مهم این است که مبارزه رادیکالی را پیش ببرند و مرد را از هویت قدرت‌طلبی‌اش جدا سازد و به هویت مرد آزاد برسانند. وقتی با دقت به تجربیات و دانشی که از تاریخ مبارزاتمان به دست آورده‌ایم نگاه کنیم، به همان اندازه که ما توانسته‌ایم خود را آزاد سازیم، مردان تغییر کرده‌اند. همانطور که رهبر آپو می‌گوید: «ما هنوز در ابتدای راه هستیم». هنوز راه طولانی در پیش داریم و موانع و دشواری‌های بسیاری وجود دارد که باید از آن‌ها عبور کنیم. مبارزه آزادی زن در درازمدت نیازمند صدها انقلاب دیگر است که در عرصه‌ی سیاسی، آزادی و دموکراتیک ایجاد کند، و این یک راه را برای تغییر اجتماعی هموار می‌سازد. برای پیروزی و بنیان‌گذاری فرهنگ زندگی آزاد و دموکراتیک، نیازمند بالا بردن سطح مبارزه شبانه‌روزی و رادیکال در برابر همه اعمالی هستیم که ذهنیت مردسالار انجام داده است. ما در تجربه‌هایمان این را به دست آورده‌ایم؛ جنبشی که پیشاهنگ، مبارز، نهاد، سازمان و اهدافش ثابت و پایدار باشد، مبارزه‌اش نیز پیروز خواهد شد.





زیلان وژین

ریاست مشترک حزب حیات
آزاد کوردستان - پژاک

انقلاب زن، ژیان، نازادی در شرق کوردستان و ایران بر پایه فلسفه ژن ژیان نازادی که به نوبه خود نماینده پارادایم ملت دموکراتیک، آزادی زن و حفاظت از محیط زیست است، گسترش یافته است. زنان مبارز بسیاری برای این راه مبارزه بی‌وقفه‌ای انجام داده‌اند که امروز به صورت فرمول شعار ژن ژیان نازادی در دست ما قرار دارد. زیلان وژین - ریاست مشترک حزب حیات آزاد کوردستان- پژاک، یکی از این زنان مبارز است که بیش از بیست سال است در این راه مبارزه می‌کند. بنابراین به منظور بهره‌مندی از تجربیات ایشان در مورد مشارکت زنان در احزاب، گفت‌وگویی با ایشان انجام داده‌ایم.

انگیزه تأسیس حزب پژاک در روژه‌لات کوردستان ایران چه بود؟

پس از سال ۲۰۰۰، آمریکا با ذهنیتِ امپریالیستی و ایدئولوژی لیبرالیسم، خاورمیانه را با بحران و آشوب شدیدی روبه‌رو کرد. به‌ویژه مداخله نظامی در کشورهای افغانستان در سال ۲۰۰۱ و عراق در سال ۲۰۰۳، مشکلات و پیامدهای زیادی به دنبال داشت. پروژه‌ی بزرگ خاورمیانه، برای طراحی مجدد منطقه، جنگ بزرگی را به دنبال داشت که تاکنون هم ادامه دارد. این جنگ‌هایی که از اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست‌ویکم آغاز شد، یک جنگ جهانی است که چندین بلوک در آن مشارکت می‌کنند. بدون شک این جنگ مثل جنگ جهانی اول و دوم نیست که دو طرف در برابر یک‌دیگر بجنگند و بعد در طی چند سال به پایان برسد. این جنگ که مرکز و ثقل آن کوردستان است، جنگ جهانی سوم است و نزدیک به ۳۰ سال است که ادامه دارد و ادامه هم خواهد داشت. بسیاری نیروها و بلوکها در آن حضور دارند که هم متحد و هم مخالف هم هستند، به همین دلیل مشابه جنگ‌های اول و دوم جهانی نیست. حزب پژاک در چنین شرایطی تشکیل شد که بحران سیاسی شدیدی در روژه‌لات کوردستان و ایران وجود داشت. احزابی که در قرن بیستم در روژه‌لات کوردستان تشکیل شدند، همگی بر پایه ذهنیت ناسیونالیستی برای رسیدن به هدف دولت-ملت فعالیت و مبارزه می‌کردند. مبارزات بسیاری داشتند و قربانی‌های بسیاری نیز دادند و به امید مردم مبدل شدند، اما با گذشت زمان، به دلیل عدم بازتعریفی در ذهنیت و اهدافشان، در همان حالت سنتی راکد ماندند. به همین دلیل به جای قوی‌تر و گسترده‌تر شدن، تجزیه شدند و مبارزه و جنگ‌هایشان داخلی و درون حزبی شد. در حقیقت این مبارزه به مردم آسیب جدی زد و امید و انتظار مردم از احزاب کلاسیک ضعیف شد. بنابراین نیاز به نفسی تازه و گامی جدید برای زنده کردن و ارتقای سطح مبارزه برای آزادی و دموکراسی وجود

داشت که نیازمند پیشگامی بود. به همین دلیل در نتیجه این بحران و نیازها، حزب پژاک بر پایه فلسفه و ایدئولوژی و عقلانیت و ذهنیتی جدید که متکی به اندیشه آزادی‌خواهی و دموکراسی است، مانند درخت بلوط در روزه‌هلات کوردستان سربرآورد و امید بزرگی را در دل همه آزادی‌خواهان کوردستان بیدار کرد که بی‌شک تا امروز نیز ادامه دارد و روزانه مبارزه می‌کند و مداوم در خود تغییر و تحول ایجاد می‌کند. حزب پژاک دارای ایدئولوژی و پراتیکی قوی است. در همه عرصه‌های مبارزه دستاوردهای برجسته‌ای را برای خلقش به ارمغان آورده است.

ضرورت وجود و پیشاهنگی زنان در حزب پژاک چیست؟

هیچ حزب و سازمانی بدون حضور زنان نمی‌تواند تشکیل شود، چرا که جامعه ما از زنان و مردان تشکیل شده است، اما حضور زنان در هر سازمان و حزبی بر چه پایه و ذهنیتی باشد بسیار مهم است، چرا که در همه سازمان‌ها و حتی تمام نهادهای دولتی نیز زنان حضور دارند و مدیریت می‌کنند، اما سوال این است که آیا این حضور و نقش‌آفرینی بر پایه عقلانیت و ذهنیت آزادی‌خواهانه و برابری طلبانه زنان است یا بر پایه منافع دولت و احزاب سیاسی؟ به همین دلیل بسیار مهم است که ما زنان در سازمان‌ها و احزاب سیاسی و ایدئولوژیک با اراده و قدرت اصیل خود مشارکت کنیم و بر همین پایه مبارزه آزادی‌خواهانه خود را ارتقا دهیم. حزب پژاک حزبی است که بر پایه آزادی زنان کار و مبارزه خود را پیش می‌برد، ما بر اساس اصل برابری و دموکراسی مبارزه می‌کنیم و باور داریم تا زمانی که آزادی زن در مرکز مبارزه‌مان نباشد، نمی‌توانیم به هدفمان که جامعه‌ای دموکراتیک است برسیم. تضمین موفقیت مبارزه نیز بستگی به حضور زنان در کار و مبارزه دارد. سالانه مردان با ذهنیت قدرت‌طلبی همه دولت‌های جهان را اداره می‌کنند، اما وضعیت جامعه در نتیجه سیاست‌ها و ذهنیت آن‌ها بحرانی‌تر می‌شود و مشکلات افزایش می‌یابد، اما زنان دارای اندیشه عدالت اجتماعی واقعی هستند، چرا که زنان دارای خصوصیتی هستند که کل جامعه را درآغوش می‌گیرند. هنگامی که زن در کار و مبارزه پیشگامی می‌کند، تاثیر مثبت بیشتری ایجاد می‌شود و فضایی مثبت در اطراف گسترش می‌یابد و پیشرفت حاصل می‌شود. نقطه قوت حزب ما به مشارکت و پیشگامی زنان در صفوف مبارزه برمی‌گردد. وقتی ما از این موضوع صحبت می‌کنیم تنها به عنوان تئوری نیست، بلکه همه کار و پراکتیک ما بر همین پایه انجام می‌شود.

مشارکت و پیشگامی زنان در سیاست چه تفاوتی ایجاد می‌کند؟

بدون شک سیاستی که زنان در آن نباشند، دموکراتیک و مشروع نیست. بزرگترین سیاست، سیاست اداره جامعه است که توسط پیشگامی زنان بنیان نهاده شده است. همچنین سیاست پدیده‌های اجتماعی است و با جامعه‌سازی آغاز شده و تا امروز ادامه دارد. جامعه‌سازی بزرگترین دستاورد زنان برای بشریت است که تا امروز نیز ارزش‌های جامعه را از آن خود کرده، حفظ نموده و گسترش داده است. در عین حال سیاست عرصه‌ی آزادی است، میدان وجود و خودمدیریتی است. سیاست دارای معیار اخلاقی و عدالت خواهانه است، اما متأسفانه به دلیل ذهنیت قدرت‌طلبی مردان از این ویژگی‌ها دور مانده و محدود شده و زنان نیز از این عرصه محروم شده‌اند. چرا که اگر سیاست نباشد زندگی نیز به خوبی پیش نمی‌رود. سیاست هم روزمره است و هم درآمدت و انسان، سازمان و دولت بدون سیاست اداره نمی‌شود. هر سیاستی عقلانیت و ذهنیت خود را دارد، یعنی اگر ذهنیت دموکراتیک و آزادی خواهانه نباشد، سیاست دموکراتیک نیز وجود نخواهد داشت. بدون شک ما سخن از سیاست دموکراتیک می‌گوییم نه سیاست دولتی و جنسیت‌گرا. ذهنیت جنسیت‌گرا، زنان را از عرصه سیاست و تصمیم‌گیری دور کرده است. همه این جنگ‌ها، نسل‌کشی‌ها، تجاوز و کشتارها، در نتیجه همان سیاست‌ها و تصمیماتی رخ می‌دهند که زنان در آن مشارکت ندارند چرا که همه بر پایه ذهنیت مردسالارانه انجام می‌شود. تمام دولت‌های بزرگ جهان و منطقه را در نظر بگیرید، ما با همین حقیقت روبه‌رو هستیم. هنگامی که سیاست از پایه‌های دموکراسی و اخلاق دور شود، از حقیقت خود دور می‌افتد و علیه جامعه به کار گرفته می‌شود. این نیز اثباتی دیگر بر دور شدن زنان از عرصه‌ی سیاسی است. بنابراین، مشارکت و پیشگامی زنان در سیاست همیشه باعث پیشبرد اراده و قدرت ذاتی فرد و جامعه می‌شود.

آیا در زمان مبارزات‌تان در عرصه‌ی سیاسی با رفتار جنسیت‌گرا مواجه شده‌اید؟

همه آن عرصه‌هایی که ما در آن کار می‌کنیم و مشارکت داریم، سیاسی هستند، چرا که هیچ عرصه‌ای نمی‌تواند بدون سیاست باشد. آن ذهنیتی که عرصه سیاست را تنها برای بخشی اختصاص می‌دهد، از ذهنیت مردسالاری سرچشمه می‌گیرد. بنابراین همه عرصه‌ها دارای سیاست هستند، چرا که همه آن‌ها اراده‌ای برای اداره کردن دارند. ما به‌عنوان جنبشی دارای اندیشه آزادی خواهی و دموکراسی خواهی هستیم و برای اینکه جامعه‌مان را با همین اندیشه و فلسفه جهت‌دهی کنیم، مبارزه می‌کنیم و هم خودمان و هم جامعه را از نو پرورش می‌دهیم. هر فردی که در جنبش ما

مشارکت کند، لازم است طبق اصول آزادی زنان خود را تربیت کند و پرورش دهد و در مبارزه انقلابی مشارکت نماید، اما نباید فراموش کنیم که هزاران سال است همه مردم جامعه‌مان از جمله زنان، بر پایه ذهنیتِ مردسالاری تربیت شده‌اند و بزرگ شده‌اند. افراد جامعه ما که چشمانشان را با این ذهنیت به جهان باز کرده‌اند، اندیشه و دیدگاهشان تحت‌تأثیر این ذهنیت قرار گرفته است. بنابراین با اطمینان می‌توان گفت این سختی در هر سازمان یا هر عرصه‌ای که زنان در آن مشارکت دارند، وجود دارد و با این حقیقت روبه‌رو می‌شود. اگرچه ما سازمانی هستیم که حل مسئله زنان اولین مسئله است و آزادی زن مقدم بر همه آزادی‌هاست. یعنی مبارزه برای آزادی ملیت، میهن و زن را از هم جدا نمی‌کنیم چرا که دیالکتیک گسترش آن‌ها به هم بسته است.

درنهایت هر عضوی از جنبش ما در آن سیستم بزرگ شده و در صفوف مبارزه برای آزادی مشارکت داشته است، اما ما تلاش زیادی کرده‌ایم تا این تغییرات را در مردان نیز ایجاد کنیم و مهم‌ترین راهکارمان پرورش و آموزش است. برای اینکه هم‌زمان مردمان را آموزش دهیم و تغییر ایجاد کنیم، لازم بود ابتدا خودمان آموزش ببینیم و تغییر کنیم. امروزه تنها مردان با واقعیت جامعه‌ای جنسیت‌گرا روبه‌رو نیستند، زنان نیز به دلیل همان ذهنیت، اعتماد به نفس کمتری دارند، بی‌اراده شده‌اند و از هستی ذاتی خود دور مانده‌اند. بنابراین نکته اصلی ما این بود که سیستم خودویژه زنان را بنیان بگذاریم و درون سیستم خودمان، سازمانمان را با اراده و اعتماد به خود بزرگتر کنیم، تا بتوانیم تغییر و تحول را در مردان نیز ایجاد کنیم و پیشگامی درستی را برای مبارزه آزادی‌خواهانه داشته باشیم. بدون شک هنگامی که از آن صحبت می‌کنیم با مواجهه‌های جنسیت‌گرایانه نیز روبه‌رو بوده‌ایم، گاهی روزمره و گاهی در زمان کار کردن با آن روبه‌رو می‌شویم. ما در چندین عرصه مبارزه می‌کنیم، برای مثال در عرصه فکری و دفاعی و چندین عرصه دیگر 5000 سال است که این عرصه‌ها توسط مردان و ذهنیت مردسالارانه سرکوب‌گر اداره شده‌اند. برای مرد سخت است قدرت و سلطه خود را با زنی به اشتراک بگذارد تا بتواند با او در یک سطح مدیریت کند. چرا که مرد همیشه در ردیف اول بوده است، بنابراین این وضعیت از لحاظ روانی و روحی برای مردان سخت است، اما وقتی به آن حقیقت (عدالت‌خواهی و دموکراتیک بودن ذهنیت زن) می‌رسند، آن‌ها نیز برای تغییر تلاش می‌کنند. علاوه‌بر این، از آنجا که سیستم خودویژه زنان را بنیان نهاده‌ایم، این بزرگترین و قوی‌ترین ضمانت برای مقابله و تغییر عقلیت جنسیت‌گرا است. سیستم ریاست‌مشارکت ما نیز در نتیجه دستاوردهای مبارزه ده‌ها ساله‌مان است که به این شکل بنیان نهاده شده است.

دستاوردهای زنان در عرصه سیاسی چیست؟

همه زنان مبارز و انقلابی جهان و به‌ویژه زنان کورد با مبارزه خود دستاوردهای بزرگی را برای جامعه و به خصوص زنان به دست آورده‌اند. مقاومت و جنگ‌های بسیاری صورت گرفته است و اگر امروز زنان در همه عرصه‌ها آماده‌اند و سیاست‌ورزی می‌کنند، در سایه مبارزه هزاران زن مبارز است که با ازخودگذشتگی جان خود را فدا کرده‌اند. زنان تلاش زیادی کرده‌اند تا عرصه سیاست را از قدرت مردانه رها کنند و دموکراتیک نمایند. در حال حاضر بزرگترین سازمان زنان در جهان، سازمان زنان کورد است که به الهام‌بخش همهی زنان آزادی‌خواه تبدیل شده‌اند. زنان کورد در همه عرصه‌ها خود را سازماندهی کرده‌اند و سیستم مختص به خود را بنیان نهاده‌اند. از راه خودبودگی، اراده و اندیشه آزاد، نقش پیشگامی تاریخی و اجتماعی خود را ایفا می‌کنند. اکنون دارای عرصه‌های دفاعی، سیاسی، آموزشی، اقتصادی و مدیریتی هستند. دارای حزبی با ایدئولوژی رهایی‌بخش، ارتش دفاعی و سیستم اجتماعی هستند. بر پایه دانش زن‌شناسی، همه علوم را دوباره شکل می‌دهد و خود را سازماندهی می‌کند. انقلاب روژناوای کوردستان و انقلاب ژن ژیان نازادی دستاورد بزرگ تاریخی و اجتماعی زنان کورد و همه زنان مبارز است. در باکوور کوردستان علی‌رغم همه سرکوب‌های سیاسی و فرهنگی و آن کشتارهایی که فاعلشان مشخص نیست، زنان در عرصه‌ی سیاسی پیشگامی می‌کنند و با اراده و به صورت برابر با مردان، در مبارزه مشارکت می‌کنند. در اقلیم کوردستان عراق نیز زنان تلاش می‌کنند که عرصه را از زیر قدرت مردان خارج کنند. همه این‌ها بر پایه اندیشه سیاست دموکراتیک سازماندهی و اداره می‌شوند.





هاوژین شهید فخرالدین

تحلیلگر امور سیاسی - جنوب کوردستان

همان‌طور که می‌دانید زنان در اقلیم کردستان سال‌هاست به شکل رسمی در عرصه‌ی سیاسی فعال‌اند. برای آگاهی بیشتر در مورد وضعیت فعلی زنان در عرصه سیاست در اقلیم کردستان با هاوژین شهید فخرالدین - تحلیلگر امور سیاسی، گفت‌وگویی انجام داده‌ایم.

به نظر شما رابطه میان زن و سیاست در کردستان چگونه بوده است؟

زن جزئی جدایی‌ناپذیر جامعه است و ارتباط کاملی با تمام اجزای مختلف درون جامعه دارد و سیاست نیز یکی از آن اجزایی است که ارتباط مستقیمی با حوزه‌های مختلف جامعه و خانواده دارد. هر عرصه‌ای از زندگی نیازمند سیاست و برنامه‌ی ویژه خود است. در جامعه زن به عنوان مادر پرورش‌دهنده، پایه اصلی خانواده است، بنابراین برنامه ویژه خود را دارد. در سیاست اداره خانواده و نحوه پرورش فرزندان، اگر از منظر علمی به آن نگاه شود؛ مشارکت و اداره خانواده، نمونه کوچک شده حکومت‌داری و اداره جامعه است، بنابراین زن به شکل غیرمستقیم در سیاست جامعه مشارکت می‌کند. به این دلیل که به‌عنوان مادر پرورش‌دهنده نسل آینده است که جایگزین قدرت فعلی می‌شود. اگر پاسخ مستقیمی به سوال بدهیم، زن کورد در انقلاب‌های متوالی به شکل فعالانه‌ای مشارکت داشته‌است در سیاست و مبارزه و مقاومت پیشمرگه‌ای در کوهستان و اداره شهر، و چندین نام بزرگ و برجسته‌ای در این عرصه وجود دارد. اگرچه می‌توانستیم مشارکت بیشتر زنان را در این عرصه ببینیم، چون ما کردها ملتی تحت‌ستم هستیم و تمام افراد ملت ما از جمله زنان، مسئولیت بزرگی بر دوش دارند که ملت و میهنمان را به مامن آرامش‌بخش زن-مادر برسانیم که جامعه‌ای آزاد، پیشرفته و دموکراتیک است. زن، مادر و پرورش‌دهنده است، بنابراین کلید تحول ریشه‌ای در جامعه است.

چند نمونه از تجربیات ارزشمندتان را در زمان مقابله با ذهنیتِ مردسالار برایمان بگویید.

از آنجا که در خانواده‌ای مبارز و دارای تاریخ مبارزاتی متولد شده‌ام، همیشه اندیشه آزادی سرزمین و وطن زبازند اعضای خانواده‌مان بوده است که رفاه و راحتی شهر را ترک کرده‌اند و در کوهستان‌ها و دره‌ها برای آزادی هر چهار پارچه کردستان مبارزه کرده‌اند و با این اندیشه و باور دست به انقلاب و مبارزه زده‌اند. بنابراین برای من راحت‌تر بود که وارد دنیای سیاست و خدمت به سرزمین و وطن شوم. خانواده‌ام همیشه پشتیبان و یاور من بوده‌اند، اما همچنان موانعی وجود داشته است که با آن‌ها روبه‌رو شده‌ام. می‌توانم بگویم چیزهای زیادی در این راه از دست داده‌ام، اما باید این را به یاد داشته باشیم

که مسئولیت بزرگی بر دوش ماست که پایداری در مبارزه و تلاش است. لازم است مسیر شهدا و رهبران مبارزمان را ادامه دهیم تا به هدف مشروع خلقمان برسیم. با اطمینان برای رسیدن به آزادی سرزمین و وطن باید قربانی دهیم و بر موانع و سختی‌ها چیره شویم.

با توجه به اینکه زنان در اقلیم کوردستان عراق سال‌هاست در عرصه‌ی سیاست مشارکت می‌کنند، چه دستاوردی داشته‌اند؟

زنان در اقلیم کوردستان مشارکت فعالانه‌ای در سیاست داشته‌اند که این مرهون حمایت مرحوم مام جلال طالبانی است که همیشه طرفدار حقوق زنان در باشوور کوردستان بود. همیشه در نوشته‌هایش نقش برجسته‌ای برای جایگاه زنان قائل بود و مشارکت زنان در سیاست را امری مهم و ضروری می‌دانست. همچنین تنها رهبر کوردها در اقلیم کوردستان عراق بود، که همسرش هیرو خان مشارکت‌کننده فعالی در مبارزات شهر و کوهستان بود و تاریخچه درخشانی از مبارزات پیشمرگه‌ای در کوهستان‌ها با دوربینش ثبت کرده است. این نیز الهام‌بخش مبارزان دیگر حزب اتحاد میهنی (به‌کیتی) و کومله‌ی رنج‌دوران بود که همسرانشان را به صفوف مبارزه مسلحانه دعوت کنند. برای نمونه مادر و پدرم هر دو در مبارزات در کوهستان‌ها مشارکت داشته‌اند و در گشت‌زنی‌های پیشمرگه‌ها که میان روستاها انجام می‌شد مشارکت می‌کردند. این نیز چراغ راهنمای دیگری برای مبارزه مسلحانه آن زمان در کوهستان بود که در جامعه‌ای بسته، زن و مرد شانه به شانه هم‌دیگر در گشت‌زنی‌ها و مبارزات کوهستانی مشارکت کنند. در اقلیم کوردستان عراق زنان دستاوردهای خوبی داشته‌اند. از جمله تأسیس اتحادیه‌ی زنان کوردستان، کسب موقعیت‌های حزبی از دوران کوهستان تا سال 1992، سپس مشارکت زنان در پارلمان و دولت، هرچند به نسبت کمتر، اما بعدها قانونی تصویب شد که بر پایه آن لازم است 30٪ از اعضای پارلمان اقلیم کوردستان زن باشند. همچنین قانون مقابله با خشونت خانگی یکی دیگر از دستاوردهای زنان در باشوور کوردستان بوده است. همچنین زنان اقلیم کوردستان ریاست پارلمان را برعهده گرفته‌اند. تشکیل نیروی ویژه‌ی زنان در میان نیروهای پیشمرگه یکی دیگر از دستاوردهای زنان است و اکنون خوشبختانه زن در اکثر عرصه‌ها مشارکت فعال دارد و در دولت پست‌های مهم و وزارتخانه‌ای به او داده می‌شود و چندین پست حزبی و دولتی دارد که زنان در آن جایگاه تصمیم‌گیرنده هستند.

آیا زنان در اقلیم کوردستان عراق توانسته‌اند به عنوان زنی مبارز فعالیت کنند؟

به باور من زن در اقلیم کوردستان اسیر و دنباله‌رو حزب یا رهبرش بوده است. زنان نتوانسته‌اند به‌عنوان زنی صاحب تصمیم باشند و همیشه اسیر تصمیمات حزب یا گروه یا جنبششان بوده‌اند و نتوانسته‌اند آن بند و زنجیرها را بگسلند و به‌عنوان

زنی دارای نظر و خواست خود باشند. حتی سیاست اقلیم کوردستان سیاستی ناهمگون است و همیشه جنگ داخلی و درگیری میان احزاب اقلیم کوردستان وجود داشته‌است. این باعث شده زنان نیز به چند گروه و جناح‌بندی تبدیل شوند و همیشه تحت فشار و تصمیم حزبشان بمانند و نیز در مسائل ملی و سرنوشت‌ساز، یکپارچه و هم‌موضع نباشند. متأسفانه این اثر منفی بدی بر جامعه گذاشته است و علامت سوال بزرگی را بر روی فعالیتهای زنان گذاشته که زنان چرا به فعالیت و مبارزه پرداخته‌اند اگر همراه و همدردی جنس خود نیستند و یا پشتیبانی او برای خواسته‌هایشان؟ اگر زنان اقلیم کوردستان همراه و پشتیبان یکدیگر نباشند، دیگر نیازی نیست که خانه امن برای زنان درست شود و به زندان ابدی برای زنان تبدیل شود، بلکه برعکس در کنفرانس‌ها و سمینارهایشان به تربیت خانواده‌ای سالم بپردازند که افراد آینده آن دارای اصول و عقیده خود باشند و دغدغه میهن و ملت و کوردستان خود را داشته باشند، تا دیگر زنان در دنیای مدرن گیج و سردرگم نباشند.



اوین سوید

سخنگوی خودمدیریتی شمال و شرق سوریه در
جنوب کوردستان



ساله‌است زنان در برابر ذهنیت مردسالار برای به دست آوردن حقوقشان مبارزه می‌کنند، اما برای اولین بار در جهان، زنان توانسته‌اند سیستم خود را ایجاد کنند و خودشان تصمیم‌گیرندگان باشند، این در سایه مبارزه زنان و مردان آزادی‌خواه در روزآوای کوردستان بوده است که امروز کنگره «ستار» می‌تواند الگو و الهام‌بخش زنان در سراسر جهان باشد. در مورد وضعیت روزآوا قبل و بعد از انقلاب، با **اوین سوید - سخنگوی خودمدیریتی شمال و شرق سوریه در اقلیم کوردستان** گفت‌وگویی داشته‌ایم تا ارزیابی خود را در این زمینه برایمان ارائه کند.

وضعیت زنان در شهرها و مناطق شمال و شرق سوریه بسیار متفاوت از یکدیگرند، بنابراین برخی از شهرها مانند شهرهای کوردی و مسیحی‌نشین در مقایسه با برخی دیگر، برای زنان جهت فعالیت بهترند. من خودم اهل شهر قامیشلو هستم. اقوام و ادیان متفاوتی در قامیشلو زندگی می‌کنند و روابط دوستانه و همزیستی میان این اقوام و ادیان در سطح بسیار بالایی است که این باعث شده شهر قامیشلو بسیار منعطف باشد و این بر من نیز تأثیر گذاشته است. زنان علی‌رغم وجود هر شرایطی حتی قبل از انقلاب روزآوای کوردستان نیز به شهرهای سوریه می‌رفتند تا بتوانند در دانشگاه‌های آنجا تحصیل کنند و خانواده‌هایشان نیز حمایتشان می‌کردند تا بتوانند تحصیلاتشان را به اتمام برسانند و در آینده به شخصیت‌های فعالی در جامعه‌شان تبدیل شوند، اما با وجود این، تعداد آن دسته از زنانی که در تلاش برای ایجاد زندگی مشترک بودند نیز کم نبود و مدام تکرار می‌شد که نهایتاً زنان وابسته به خانه و فرزند می‌شوند. آن دسته از زنانی که برای تحصیل در دانشگاه‌های سوریه پیشگام بودند، خود را مسئول می‌دانستند در برابر اینکه بتوانند الگوی خوبی از زنان کورد در میان دیگر اقوام سوریه باشند و بتوانند غنای فرهنگی وطنشان را نشان دهند. بدون شک با مشکلات و موانع زیادی نیز مواجه می‌شدند، چرا که همیشه در تلاش بودند ثابت کنند که آن‌ها نیز می‌توانند مثل مردان موفق شوند. خانواده‌های زیادی در روزآوای کوردستان وجود دارند که بسیار با اندیشه و فلسفه رهبر عبدالله اوجالان آشنا هستند. در مورد زن و نقش زنان در جامعه و بر پایه فلسفه رهبر آپو خود را سازماندهی کرده‌اند و خانواده من نیز یکی از اینهاست، اما انقلاب روزآوای کوردستان باعث و الهامی شد تا این اندیشه بیشتر گسترش پیدا کند و بیشتر و بیشتر در درون خانواده‌ها رواج پیدا کند.

می‌توانیم مشارکت زنان در آموزش عالی را به عنوان اولین گام برای خودشناسی و اراده‌یابی آن‌ها ببینیم، همچنین

شناخت جامعه، تقسیم شادی‌ها و همچنین سختی‌ها گام‌های بعدی است. به این ترتیب آن دنیای کوچکی که برای زنان ایجاد شده بود، روزبه‌روز بزرگ‌تر می‌شد. چرا که وقتی زندگی زنان غنی‌تر می‌شود، دیگر بازگشت به عقب ممکن نیست، بلکه برعکس روز به روز غنی‌تر می‌شود. زنان در درون انقلاب درک کردند که تنها نیستند و کسان زیادی هستند که با آنها همدردی می‌کنند و هر یک از آن‌ها می‌توانند به نوبه خود امیدی برای زنان باشند. همچنین سازماندهی زنان ابزاری است که زن می‌تواند در آن خود را بشناسد، پیشرفت کند، راه‌حلهایی برای مشکلاتشان پیدا کنند و پشتیبانان تصمیم‌گیری‌های زنان باشند. همین باعث شد زنان به مانند سیلی در انقلاب مشارکت کنند. به باور من هر زنی درک کرد که در هیچ مرحله‌ای تنها نمی‌ماند چرا که سازماندهی زنان در هر مرحله‌ای پشتیبان آن‌هاست و این از نظر من جالب‌ترین مالکیت و جای اعتماد است، به همین دلیل است که امروز ما از صدها زن صحبت می‌کنیم که تصمیم‌گیرنده زندگی خود چه از لحاظ زندگی کاری‌شان و چه زندگی خانوادگی‌شان هستند. قبل از انقلاب، در سوریه به جز زنان کورد هیچ سازماندهی مستقل و ویژه زنانه وجود نداشت، بنابراین زنان به تنهایی در برابر ذهنیت‌های عقب‌مانده مبارزه می‌کردند. امروز نیز خیلی از آن زمان دور نیست و خیلی از آن زمان که پدری دخترش را در ازای یک سبد نان می‌فروخت، دور نیست. این یکی از آن رویدادها بود که بیشترین تأثیر را روی من گذاشت. آن تغییراتی که در سوریه رخ داد، تأثیر منفی بر زنان ایجاد می‌کرد به‌ویژه در مناطقی که تحت حاکمیت رژیم سوریه قرار گرفتند و وضعیت زنان رو به وخامت می‌رفت به‌ویژه در شهرهایی مثل عفرین، سرکانی و گری‌سپی که تروریست‌ها به هر شکلی آزار زنان را از طریق تجاوز، گروگان‌گیری، آزار جنسی، ازدواج در سنین پایین و حتی کشتار در پیش گرفتند. این‌ها آزارهایی بودند که هر روز با آن زندگی می‌کردیم.

من فارغ‌التحصیل رشته‌ی اقتصاد در دانشگاه حلب در روزژواوی کوردستان هستم و پیش از شروع انقلاب روزژاوا، معلم بودم، اما پس از آغاز انقلاب در نisan سال ۲۰۱۴، به فعالیت‌ها و مبارزات در سازمان‌ها پرداختم. ابتدا به‌عنوان مدیرکانال رووناهی تی‌وی به مدت دو سال کار کردم، سپس به‌عنوان نماینده کنگره ستار انتخاب شدم و در حوزه دیپلماسی فعالیت کردم. آنچه بیشترین تأثیر را



بر زندگی‌ام گذاشت، فعالیت‌م در مبارزات مختص زنان بود که می‌توانم بگویم در این مبارزه کمک‌های زیادی در زمینه‌های آموزش، رشد و چندین حوزه دیگر دیدم که این‌ها نیز تاثیر بسزایی بر زندگی من داشتند. اولین بار بود که توانستم واقعیت جامعه را از نزدیک بینم و فقر و محرومیت‌ها را بشناسم، به‌ویژه شخصیت آن زنانی که با هم مبارزه می‌کردیم و تجربه و انرژی متفاوتی داشتند، به همین دلیل فعالیت‌های خودویژه را بزرگ‌ترین مبارزه می‌دانم، اما اگر همه با هم یاری‌رسان باشند و با هم کارها را پیش ببرند، آن موقع این مبارزه می‌تواند پیشرفت کند و آماده شود تا با دیگر مسئولیت‌ها و وظایفی روبه‌رو شود و آن‌ها را انجام دهد. با این حال نمی‌توان گفت مبارزه خودویژه مبارزه‌ای بدون مشکل و بدون درگیری است، چرا که از طریق آن، مبارزه زنان برای حل مشکلات خود و اطرافیان‌شان شروع می‌شود. چون اغلب با زنانی با اندیشه‌های کلاسیک روبه‌رو می‌شویم، یعنی آن زنانی که از لحاظ مبارزه و مدیریت خود را از مردان پایین‌تر می‌دانند که این می‌تواند از طریق نقد سازنده و گفت‌وگو حل شود. وقتی که انسان تغییراتی را که در جامعه رخ می‌دهد مشاهده می‌کند و آن‌ها را احساس می‌کند، باعث می‌شود که بیشتر ارزش مبارزه خودویژه را بداند، برای مثال تغییر در رفتار خانواده و جامعه در برابر زن و تغییر وضعیت و نقش زنان در جامعه و تلاش برای حل مشکلات با اندیشه‌های نو و دیدن زن به عنوان پیشگام. در بسیاری از رویدادها و فعالیت‌ها با این تغییرات روبه‌رو بوده‌ام و سعی کرده‌ام از آن درس بگیرم، مثلاً مشارکت مردان شهر کوبانی که ذهنیت مردسالاری‌شان در سطح بسیار بالایی است، در کلاس‌های آموزشی کنگره ستار و برای اولین بار شاهد آن بودم. در آن شهر توانستیم کلاسی آموزش فکری برای هواداران مرد در سطح رهبری با پیشگامی شهید لیلا آگری و زنان پیشرو برگزار کنیم. یکی از رویدادهایی که تاثیر زیادی روی من داشت، زمانی بود که زنی عرب در شهر حسکه که سعی داشت خود را از تعرض محافظت کند، کشته شد. در این زمان برای اعتراض به این کار، زنان و مردان با هم در خیابان‌ها و میدان‌های شهر حسکه تظاهرات کردند و با این کار نشان دادند دیگر نباید در این کشور زنان کشته شوند و قربانی بشوند. درحالی که اگر این اتفاق قبلاً رخ می‌داد، جامعه ساکت می‌ماند، چرا که این مسئله‌ای ناموسی است و خود را مسئول نمی‌دانستند، به‌ویژه در میان ملت عرب، اما همان‌طور که می‌بینید وضعیت فعلی روژئاوای کوردستان تغییرات زیادی کرده است. تجربه فعالیت عمومی من قبل از فعالیت مختص زنان بسیار متفاوت‌تر از تجربه دوم فعالیت‌های عمومی‌ام پس از آن بود، چرا که درک و دید من نسبت به برخی موضوعات به دلیل آموزش بیشتر و بهتر شد و شیوه مبارزه در برابر ذهنیت مردسالاری متفاوت‌تر است و بدون شک با شناخت سازمان زنان این مبارزه قدرتمندتر

می‌شود و نتیجه بهتری خواهد داشت. دتهدگذر خهد خودویژه بیشتر توانستم با واقعیت ذهنیت مردسالاری آشنا شوم، اما در مبارزه دیپلماتیک بیشتر با این ذهنیت مواجه بودم، آن زمان‌هایی که با بی‌مهری و خودمحوربینی مردان و تلاش آن‌ها برای بی‌اثر کردن مبارزه زنان روبه‌رو می‌شدم، بیشتر توانستم آن ذهنیت را بشناسم. خانواده‌های روزنواو بیشتر سعی می‌کنند فرزندان‌شان را بر پایه وطن‌پرستی (میهن‌دوستی) تربیت کنند و آموزش دهند، اما مشارکت در فعالیت‌های سیاسی محدود است. قبل از انقلاب روزآواو صدها زن در روزنواو به کوه‌های آزاد پناه می‌بردند، اما به‌طور رسمی نمی‌توانستند در عرصه سیاست مشارکت کنند، اما پس از انقلاب نقش زنان در سیاست فعال‌تر شد و زنان بیشتر توانستند در این چارچوب نقش داشته باشند و سعی کردند سیاست را به سمت سیاستی دموکراتیک سوق دهند به نحوی که زنان و مردان، شانه به شانه یکدیگر نقش خود را ایفا کنند. همان‌طور که در مبارزه مسلحانه به‌ویژه در برابر گروه تکفیری داعش و دولت ترکیه، زنان و به‌ویژه زنان یه‌په‌ژه (یگان‌های مدافع زنان) با پیشگامی نالین موش، ژیان توله‌لدان، آرین میرکان و صدها زن دیگر مقاومت کردند و پافشاری کردند بر حفظ خاک خودشان، به همان شکل زنانی چون شهید هفرین، زینب و یوسرا پافشاری کردند بر اینکه هویت زنان باید ارتقا یابد و اینکه آنها رهبر زنان کورد، عرب، سوری و همه‌ی زنان دیگر شوند.





شقایق نوروزی

فعال حقوق زنان در ایران

در تابستان ۱۴۰۱ شاهد وقوع انقلاب زنان در ایران با شعار زن ژیان نازادی بودیم، انقلابی که برای آینده ایران و منطقه بسیار مهم است. زیرا در این انقلاب زنان بسیاری از تابوها را شکستند و بار دیگر نقش تاریخی خود یعنی مدیریت (سیاست) و پیشاهنگی برای جامعه را بازیافتند. بر این اساس با **شقایق نوروزی، فعال حقوق زنان** در ایران گفت و گو کرده ایم.

مشارکت سیاسی زنان در ایران پس از انقلاب ۵۷

شاید چشم‌گیرترین دوران مشارکت سیاسی زنان در سال‌های گذشته را بشود در دوران کشاکش با رژیم سلطنتی شاه دید. مشارکت موثر و فعال در احزاب سیاسی و کار سازماندهی‌شده و حتی مشارکت در عملیات مسلحانه علیه رژیم. در این قیاس افول چشم‌گیر مشارکت موثر زنان در عرصه سیاست پس از استقرار خمینی واضح است. زنان پس از انقلاب تلاش مستقل خود (مانند تشکیل احزاب سیاسی) را، این بار برای باز پس‌گیری عاملیت سیاسی‌شان در پیش گرفتند. شروع حکومت خمینی با سرکوب زنان بود. زنانی که نقش بسیار مهمی در فعالیت‌های حزبی و اجرایی سیاسی قبل انقلاب ۵۷ داشتند هنگامی که مورد سرکوب خمینی قرار گرفتند از سمت مردان هم حزبی خود مورد حمایت قرار نگرفتند و به آنها گفته شد، «امر مبارزه با امپریالیسم ارجح است بر مطالبات آنها!» و بدین ترتیب خمینی که با تقیه بر مسند قدرت نشست و از ابتدا افکار زن‌ستیزانه خودش را به تمامی آشکار نکرده بود با سرعت و شدت به سرکوب زنان پرداخت. با این وجود زنان اولین گروه معترض به خمینی در پی فرمان حجاب اجباری بودند. مبارزه مدام با حجاب اجباری یک مبارزه ۴۵ ساله است که از روز آغاز استقرار دیکتاتوری «ولایت مطلقه فقیه» تا امروز ادامه دارد. زنان اما، در این مبارزه توانستند سویه‌های سیاسی و اجتماعی مسئله مالکیت زن بر بدنش را برای جامعه واضح کنند و این مبارزه را به یک مسئله عمومی، برای رهایی تمام گروه‌های تحت ستم تبدیل کنند. تلاش برای تغییر قوانین ازدواج، طلاق، چند همسری، سنگسار... و تلاش برای مبارزه با خشونت جنسی و جنسیتی، تلاش برای دسترسی به حق دسترسی به پایان خودخواسته بارداری و تمام مبارزاتی که زنان در این سال‌های تاریک جمهوری اسلامی در جهت احقاق حقوق

ابتدایی خود کردند، سوبه‌های مبارزات سیاسی آنها علیه سیستمی‌ست که بقای خود را بر تثبیت و تقویت شکاف جنسی و جنسیتی بنا گذاشت و زنان را برای بقای خود به بردگی گرفت.

راهکارهای رژیم ایران برای ممانعت از مشارکت زنان در امور سیاسی

رژیم ایران برای ممانعت از مشارکت زنان در امور سیاسی از راه‌کارهای مختلفی استفاده کرده است:

- قانون‌مند کردن سرکوب زنان و تضعیف حقوق‌شان با استناد به اسلام سیاسی. واضح‌ترین چهره این ضدیت قوانین با حقوق زنان، ممنوعیت امکان کاندیداتوری زنان برای گرفتن پست ریاست جمهوری و قضاوت است. قوانین خانواده، قوانین مرتبط با پوشش تحمیلی به زنان و جامعه کوپیر، قوانین مربوط به برخورد با خشونت جنسی، تنها چند نمونه از این تبعیض‌سازی تاریخ‌مند سیستماتیک با ابزار قانون است.
- کنترل فرهنگ جامعه با ابزاری مانند رسانه و آموزش، راه‌کار دیگر حکومت ایران برای عادی سازی سرکوب زنان بوده است. به‌کارگیری رسانه و آموزش به مثابه ابزاری که فرهنگ بر ساخت به‌وجود آورد البته که به رژیم جمهوری اسلامی کمک کرد تا از نهادهایی مانند خانواده و محیط آموزشی و روابط اجتماعی هم به عنوان بازوان سرکوب داوطلب استفاده کند.
- یکی دیگر از ابزارهای رژیم برای ضربه زدن به تشکیلات سازمان‌یافته زنان، برنامه‌ریزی برای ساخت شکاف بین تشکیلات زنان در داخل و خارج بوده است. این استراتژی رژیم در هر بزنگاهی که به موفقیت رسیده توانسته رژیم را در برابر قدرت سازماندهی زنان مصون کند.
- محدود کردن فعالیت‌های داخل به احزاب اصلاح طلب و دستگیری و بازداشت و صدور احکام سنگین فراقانونی برای فعالین مستقل جنبش زنان، از دیگر ابزار رژیم برای کنترل مبارزه زنان بوده است.

علاوه بر سیاستهای زن ستیز حاکمیت، تا چه اندازه فرهنگ و سنت مردسالار بر عدم مشارکت زنان در عرصه سیاسی مؤثر است؟

بدون شک، فرهنگ و سنت مردسالار در جامعه ایران تا حد زیادی بر عدم مشارکت زنان در عرصه سیاسی تأثیرگذار است. این فرهنگ و سنت‌ها، به عنوان یکی از عوامل اصلی، در ممانعت از فعالیت‌های زنان در حوزه‌های مختلف، از جمله سیاست، کمک می‌کنند.

- **نقش تقسیم‌کاری جنسیتی:** در فرهنگ جامعه ایران، اغلب نقش‌های مختلف اجتماعی بر اساس جنسیت تقسیم می‌شود، به طوری که مردان به عنوان مسئولان امور عمومی و سیاسی، و زنان به عنوان مراقب خانه و خانواده در نظر گرفته می‌شوند.
- **تصور ذهنی مردان به عنوان رهبران:** تصویری که در فرهنگ ایرانی از مردان به عنوان رهبران و تصمیم‌گیرندگان ایجاد شده، می‌تواند زنان را از مشارکت در سیاست باز دارد. این تصور ذهنی می‌تواند باعث ایجاد ترس و ناامیدی در زنان نسبت به مشارکت در امور سیاسی شود.
- **نگرش‌های تبعیض‌آمیز:** برخی از نگرش‌ها و باورهای جامعه نسبت به قدرت و مهارت‌های زنان می‌تواند موانعی را برای مشارکت آنان در سیاست ایجاد کند. این نگرش‌ها می‌توانند زنان را به احساس ناکارآمدی و ناتوانی در این زمینه ترغیب کنند.
- **نقش محدود در تصمیم‌گیری‌ها:** در بسیاری از جوامع ایرانی، زنان به صورت کلی در فرآیند تصمیم‌گیری‌های مهم نقش کمتری دارند. این موضوع می‌تواند اثرات منفی بر روی اعتماد به نفس زنان در مشارکت سیاسی داشته باشد.
- **تعهد به وظایف خانگی:** فرهنگ خانواده‌محور در جامعه ایران باعث می‌شود که تعهد زنان نسبت به وظایف خانگی بیشتر از وظایف سیاسی باشد و این می‌تواند از مشارکت آنان در فعالیت‌های سیاسی بازدارندگی ایجاد کند.
- **عدم تشویق به تحصیلات و آموزش‌های مهارتی:** در برخی موارد، زنان به اندازه مردان به تحصیلات و آموزش‌های مهارتی دسترسی ندارند. این موضوع می‌تواند از دستیابی زنان به شغل‌ها و فرصت‌های مشارکت سیاسی مؤثر ممانعت کند.

به‌طور کلی، فرهنگ و سنت‌های مردسالار در جامعه ایران به‌عنوان یک عامل مهم می‌توانند مشارکت زنان در عرصه سیاسی را محدود کنند. با این حال، توجه به نقش حاکمیت در ساخت و تثبیت این فرهنگ باید مد نظر قرار گرفته شود و به‌عنوان ریشه مسیله مورد توجه باشد. به‌علاوه از آنجا که اساس حکومت جمهوری اسلامی بر مردسالاری و قوانین شریعت استوار است با استقرار رژیم ساختار مردسالار جامعه دسترسی تمام و کمال به انواع حمایت‌های قانونی پیدا کرد و بنابراین صد چندان تقویت شد.

علاوه بر وضعیت عمومی، چند نمونه از تجربه‌های شخصی خودتان در طول این چند سال فعالیتتان را با ما در میان بگذارید.

پرننگ تجربه ما در رابطه کمپین‌هایی بود که داخل ایران پیش می‌بردیم. قدرت کمپین‌های ما در همستگی بین زنان داخل با گروه‌های خارج از ایران مانند ما است تا بتوانیم دسترسی‌های خود را در اختیار شجاعت آنها بگذاریم. این کمپین‌ها به محض قدرتمند شدن و صدا گرفتن با تهدید امنیتی و بازداشت فعالین این کمپین‌ها مواجه می‌شوند. فعالین داخل ایران در این بازداشت‌ها تهدید به قطع همکاری با ما می‌شوند و به محض اینکه چنین درخواستی تحت فشار پذیرفته می‌شود و همپوشانی داخل و خارج قطع می‌شود، کمپین در کنترل جمهوری اسلامی قرار می‌گیرد و متوقف می‌شود. حربه دیگر جمهوری اسلامی که شامل حال من و فعالین گروه می‌تواند ایران شد، شیطان‌سازی از زنان فعال سیاسی است. انتشار روایت دروغ درباره ما، شرایط زندگی ما و گذشته ما ابزار دیگری است که می‌تواند ذهن همبستگان ما را گاهی تحت تاثیر قرار دهد و ما را از کار منسجم و هم‌بسته دور کند. به این گزینه‌ها باید حملات آنلاین سایبری را هم اضافه کرد. حملاتی که فضای مجازی کنشگری ما را ناامن می‌کند. در سال گذشته گروه می‌تواند و جمعی زیادی از فمینیست‌های ایران مورد حملات سازماندهی شده سایبری قرار گرفتند و تمام صفحه‌های مجازی ما با دریافت زیادی فالور فیک از سمت نیروهای سایبری، ضعیف شد





پیمان ویان

عضو شورای مدیریتت جامعه زنان آزاد شرق
کوردستان _ کتزار

هنگامی که بحث سیاست و سیاست‌ورزی مطرح می‌شود، برخی افراد سیاست را به معنای کار دولت تعریف می‌کنند و درکی ساختگی به وجود آمده است که سیاست کار دولت است، اما در واقع سیاست در مقابل دولت است و در اصل به معنای مدیریت جامعه است. سیاست خود هنر مدیریت زندگی و هنر مدیریت کارها به بهترین شکل است. وقتی در مورد ارتباط بین زنان و سیاست صحبت می‌کنیم، منظورمان این است که توجه را به دوران نوسنگی (دوران انقلاب کشاورزی) جلب کنیم که زن مدیر و رهبر زندگی بوده و توانسته است به‌طور مساوی در عرصه‌های مادی و معنوی زندگی را اداره کند. معنای واقعی سیاست همین است.

در دوران امروز، هم جامعه به شیوه خود و هم دولت‌ها و استعمارگران به روش خود سیاست‌ورزی می‌کنند. این سیاست می‌تواند خوب باشد و در راستای منافع جامعه باشد یا نامناسب بوده و در راستای منافع چند نفر و جناح خاصی باشد. سیاست کار جامعه است و زنان بیشترین نقش را در سیاست دارند. اگر یک خانه را مثال بزنیم، مشخص می‌شود که تربیت فرزندان، مدیریت و تامین نیازهای روزانه همگی وظیفه زن است. همانطور که زن در دوران نوسنگی وظایف خود را انجام داده و تلاش کرده به بهترین شکل جامعه را اداره کند. اگر زن با اراده و اندیشه خود سیاست کند، می‌تواند آزادی جامعه را تضمین نماید.

پس از آنکه زن از سیاست کردن بی‌بهره شد، دیگر زن صاحب‌خانه نیست، صاحب فرزندان خود نیست، وطنی ندارد، حتی می‌توان گفت صاحب خود نیست و صاحب زن، کسی دیگر است. همه اینها به این دلیل است که هنر زندگی کردن و اداره زندگی از زن گرفته شده است. زنان هزاران سال سیاست کردند، زندگی را اداره کردند و توانستند تعادل بین انسان و طبیعت را حفظ کنند، اما پس از آنکه ذهنیت مردسالار این هنر را از حوضه‌ی اختیارات زن گرفت، سیاست در خدمت قدرت قرار گرفت و این نوع سیاست کردن ابزاری شد برای تحکیم دولت و دولت هم علیه زن و محیط زیست به کار گرفته شد.

زنان در بسیاری از انقلاب‌ها به‌طور فعال شرکت کرده‌اند و برای آن بهای سنگینی پرداخته‌اند، اما هر زمان پس از پیروزی انقلاب‌ها به حقوق زنان اهمیت داده نشده و در زمان گفت‌وگو و تصمیم‌گیری، زنان و حقوق آنها فراموش شده‌اند. درحالی‌که آزادی هر جامعه‌ی وابسته به آزادی زن در آن جامعه است. به دلیل اینکه هیچ نقشی در سیاست به زنان داده نشده و همیشه سیاست بر اساس اندیشه و تفکر مردان حاکم بوده است، همیشه کشتار،

جنگ، مهاجرت و ویرانی را برای کشورها به همراه داشته‌اند و تنها در خدمت ذهنیت مردسالاری و قدرت‌طلبی بوده است. انقلاب سال ۱۳۵۷ مردم ایران نیز به همان شکل بود. انقلابی بود که با پیشگامی زنان و برای مشارکت زنان در سیاست آغاز شد. مشارکت در سیاست یعنی زنان بتوانند در مورد وجود و اراده خود تصمیم بگیرند. زنان قبل از این انقلاب نیز تلاش‌های زیادی انجام داده بودند، برای مثال می‌توان به مبارزات زنان برای کسب حق رأی اشاره کرد. البته پس از انقلاب 57 حق رأی زنان سلب نشد، اما تمام فرصت‌های مشارکت مستقیم زنان در سیاست از طریق قانون و شریعت ممنوع شد و تمام حقوق سیاسی از زنان سلب گردید. وقتی حق سیاسی سلب شود، یعنی حق زندگی و اداره زندگی سلب می‌شود.

اگر این وضعیت را در جمله‌ای تعریف نماییم، می‌توان گفت که زنان از سیاست محروم هستند. همانطور که قبلاً در دوران پادشاهی، شاه یا نفر اول قدرت مرد بود، اکنون نیز رهبر در نظام ایران باید مرد باشد. نظام جنسیت‌زده ایران همچنان مانند گذشته است و همچنان در بسیاری از نهادهای رژیم مانند مجلس خیرگان، زنان نمی‌توانند مشارکت کنند. مشارکت زنان در مجلس نیز بسیار محدود است و به این شرط اجازه مشارکت داده می‌شود که در خدمت نظام مردسالار باشند. یعنی زنان باید علیه جنسیت خود و علیه جامعه عمل کنند. تمام زنانی که می‌خواهند در معنای واقعی سیاست را انجام دهند، سرکوب می‌شوند، در زندان‌ها با شکنجه‌های سخت روبه‌رو می‌شوند، تلاش برای شکستن اراده آنها صورت می‌گیرد و از گردونه سیاست دور نگه داشته می‌شوند. در شرق کوردستان نیز مشارکت زنان در سیاست، تاریخچه‌ای دیرینه و طولانی دارد. از خرم‌دین‌ها گرفته تا مقاومت قلعه‌ی دم‌دم، زمانی که زنان در جنگ‌ها شرکت می‌کردند، می‌توانستند در سیاست نیز تصمیم‌گیر باشند. برای مثال زن بزرگ نامی مانند خرم پس از مرگ همسرش رهبری سپاهیان را برعهده می‌گیرد و کسی مانند قدم خیر لرستانی در مدیریت و جنگیدن صاحب‌نام است. این‌ها تنها دو نمونه از زنان مبارز کوردستان هستند. همین موضوع بود که راه را برای انقلاب ژن، ژبان، نژادی باز کرد که سال گذشته با پیشگامی زنان کورد آغاز شد. زنان در تحولات سیاسی با مشکلات زیادی روبه‌رو هستند، چرا که مردان در تحولات سیاسی مسلط هستند. به نحوی که وقتی سیاست گفته می‌شود، ابتدا مرد در ذهن هر فردی می‌آید. در اینجا نقش فیلسوفان و آتهایی که گفته‌اند «زن نمی‌تواند سیاست کند، چون عقل یا مغز کوچکی دارد»، «زن با دست بسته نمی‌تواند تصمیم بگیرد و کاری انجام دهد»، «عقل زن از یک مرغ کمتر است»، «زن آن

زمینی است که می‌توان به هر شکلی که می‌خواهید در آن زراعت کنید» برجسته است. تمام این جملات به معنای تحقیر و بی‌احترامی به زنان است و اکنون در جامعه به‌عنوان فرهنگ رسوخ کرده‌اند و مانع بزرگی برای مشارکت زنان در سیاست ایجاد می‌کنند. چرا که در تحولات سیاسی با ذهنیت مردسالارانه‌ای روبه‌رو می‌شوند که زنان را کوچک می‌بیند. همزمان به دلیل اینکه درصد مشارکت زنان در سیاست کم است، نمی‌توانند به اندازه کافی از هم حمایت نمایند.

در چنین شرایطی که تنها نقشی شکلی برای زنان در نظر گرفته می‌شود و زنان نمی‌توانند برای جامعه تصمیم‌گیری کنند، زنانی تصمیم می‌گیرند که در انقلاب شرکت کنند. وقتی یک زن تصمیم به انقلابی بودن می‌گیرد، در واقع تصمیم به مقابله با سیستم قدرت طلب مردسالار را می‌گیرد. یعنی قرار است به‌عنوان فردی انقلابی سیاست مردسالار را متوقف کند تا سیاستی دموکراتیک، برابر و با ذهنیت زنانه اداره شود. چرا که انقلابی‌گری به معنای متوقف کردن سیاست دولت‌گرا و خلق آلترناتیو آن است. در انقلاب، زنان و مردان با هم صفوف مبارزه را تکمیل می‌کنند، اما مردان قدرت‌طلبی هم هستند که تنها نقش تولید مثل و انجام امور خانه را لایق زنان می‌بینند، بنابراین زنان باید خود مدافع حقوق خود باشند و تلاش کنند حق و حقوق خود را بازپس بگیرند.

مشارکت زنان در انقلاب‌ها باید بر این اساس باشد که زنان با اراده خود صلح یا جنگ کنند، چرا که در بسیاری از انقلاب‌های جهان هم دیده‌ایم با وجود مشارکت چشمگیر زنان در آن انقلاب‌ها، پس از پیروزی انقلاب، حقوق زنان نادیده گرفته شده است. بنابراین زنان باید قدرت دفاعی، سیاسی و آموزشی خود را بنا نهند تا مردان نتوانند به تنهایی تصمیم‌گیرنده باشند. تنها با این روش زنان می‌توانند قدرتمند شوند و بر حقوق خود مسلط گردند. ما نیز به‌عنوان زنان انقلابی با این مشکلات روبه‌رو بوده‌ایم. چرا که همچنان سیاست تحولی است که اگر اجازه دهید به دست مردان می‌افتد. بنابراین به اراده و دانش سیاسی نیاز داریم. وقتی زنان صاحب اراده سیاسی خود می‌شوند، آن زمان جامعه نیز صاحب اراده سیاسی می‌شود و برابری در جامعه برقرار می‌گردد. همانطور که قبلاً هم اشاره کردم اگر زن در سیاست مشارکت کند، تنها یک جنس تصمیم‌گیری نمی‌کند و در همه تصمیم‌گیری‌ها نظر زنان نیز در نظر گرفته می‌شود و در نتیجه جامعه‌ای سیاسی خلق می‌شود. با خلق جامعه‌ای سیاسی نیز آزادی و دموکراسی برقرار می‌گردد. سیاست، آزادی و دموکراسی مولفه‌های سه‌گانه‌ای هستند که بدون یکدیگر وجود ندارند. به همین دلیل جامعه آزاد

در واقع جامعه‌ای سیاسی است که این مهم با پیشگامی زنان محقق می‌شود. برای زنان نیز به همان شکل، وقتی گفته می‌شود یک زن سیاست‌مدار است به این معنا نیست که تنها بیرون می‌رود یا ملاقات‌هایی را انجام می‌دهد، این تنها سیاست نیست. سیاسی بودن زن زمانی شکل می‌گیرد که در گرفتن همه تصمیم‌گیری‌ها نظرش اساس گرفته شود و بر روی جامعه تاثیرگذار باشد. سیستم ریاست مشترک نیز بهترین راه‌حل مشکلات است. در این سیستم در همه جا یک زن و یک مرد با هم ریاست مشترکی در مسئولیت‌ها دارند، از حزب گرفته تا مجلس، از مدیریت شهر گرفته تا انجمن محله‌ها، برابری برقرار می‌شود و زنان در همه سطوح تصمیم‌گیرنده می‌شوند. این برابری در تحول سیاسی، می‌تواند برابری را در جامعه و در خانواده‌ها نیز ایجاد کند. یعنی هر فردی بتواند با صدا و جایگاه خودش در سیاست مشارکت کند. وقتی زن با اراده خود، مالک آزادی خویش شود، همان‌طور که در تاریخ، خاورمیانه شاهد اولین انقلاب زنان (انقلاب نوسنگی) بوده است، شاهد دومین انقلاب زنان نیز خواهد بود و در نتیجه پیروزی انقلاب زن، ژیان، نازادی به پیشگامی زنان کورد، خاورمیانه آزاد و دموکراتیک برقرار می‌شود و با نقش محوری خود پیشگام آزادی زنان در سراسر جهان خواهد بود.





kjardiplomasi@gmail.com



www.kjar.online



[@kjar_2014](https://t.me/@kjar_2014)



[kjar_official_page](https://www.instagram.com/kjar_official_page)



[@kjar-2014](https://www.youtube.com/@kjar-2014)



[@kjarOnline](https://twitter.com/kjarOnline)